

ماجرای بدهی ۱۷میلیارد دلاری نفت به صندوق توسعه ملی

مدیرعامل صندوق توسعه ملی اعلام کرد: طلب صندوق توسعه ملی از بخش‌های مختلف حدود ۲۳میلیارد دلار است که ۱۷میلیارد دلار آن مربوط به شرکت نفت و بابت طرح‌هایی است که با ضمانت این شرکت اجرا شده‌اند.

مهدی غضنفری ادامه داد: طلب صندوق توسعه ملی از شرکت نفت تاکنون چندین بار توسط هیات امنای صندوق امهال شده اما شرکت نفت تلاشی برای پرداخت آن نکرده است. اخیرا نیز بانک صنعت و معدن به‌عنوان یکی از بانک‌های عامل، حساب‌های شرکت ملی نفت ایران را به دلیل بدهی موقوفه مسدود کرده است. وی با بیان این‌که طی سال‌های گذشته ۱۲/۸میلیارد دلار از مطالبات صندوق ملی وصول شده، بیان کرد: کل مطالبات سررسیدشده صندوق توسعه ملی ۲۲/۳میلیارد دلار است که ۷۷درصد از این مطالبات، معادل ۱۷میلیارد دلار، مربوط به طرح‌هایی است که با ضمانت شرکت ملی نفت انجام شده‌اند.

غضنفری افزود: طبق توافقاتی که انجام شده بود، قرار بود شرکت ملی نفت ماهانه ۵۰ تا ۱۰۰میلیون دلار از بدهی خود به صندوق توسعه ملی را بپردازد که متأسفانه این کار را انجام نداد و موضوع به مرحله پرداخت نرسید. البته دستگاه‌های نظارتی صندوق توسعه ملی را ملزم کردند که برای پیگیری مطالبات صندوق اقدام کنند. در همین زمینه، بانک صنعت و معدن نسبت به وصول مطالبات خود از شرکت ملی نفت ایران اقدام قضایی انجام داد و حساب‌های شرکت ملی نفت را مسدود کرد.

مدیرعامل صندوق توسعه ملی همچنین گفت: این صندوق در دو طرح ۷۰۰۰ مگاواتی و ۸۰۰۰ مگاواتی برای توسعه انرژی خورشیدی و بادی مشارکت می‌کند که درمجموع، پنج میلیارد دلار برای آنها در نظر گرفته شده است. تاکنون ۵۰ درصد از این مبلغ اختصاص یافته و حدود ۱۲۷۳ مگاوات نیز از برق تجدیدپذیر وارد شبکه شده است. همچنین ۴۶۰۰ مگاوات برق خورشیدی نیز در دست‌احداث است.

پرداخت ۴۰میلیارد دلار تسهیلات

رضا محمدی، معاون سرمایه‌گذاری صندوق توسعه ملی نیز اظهار کرد: طی یک سال گذشته، حدود سه میلیارد دلار تسهیلات برای مقاضیان مصوب شده که از این میزان، حدود ۱/۶میلیارد دلار از طریق روش سنتی تأمین مالی شده است. یکی از روش‌های جدید تأمین مالی که در زمستان سال ۱۴۰۴ ایجاد شد، سرعت تأمین مالی را به شکل قابل توجهی افزایش داده و از طریق این روش، حدود ۶۰۰ میلیون دلار تأمین مالی انجام شده است.

وی از تأمین مالی ۲۰۰۰میلیون دلاری از طریق انتشار اوراق خبر داد و گفت: در قالب نوعی قرارداد سپرده‌گذاری کوتاه‌مدت و تسهیلات کوتاه‌مدت نیز حدود ۴۰۰میلیون دلار تأمین مالی در یک سال گذشته انجام شده است. محمدی با اشاره به عملکرد صندوق توسعه ملی از ابتدای فعالیت تاکنون گفت: صندوق توسعه ملی تاکنون حدود ۴۰میلیارد دلار تسهیلات به بیش از ۲۸۰ طرح پرداخت کرده که حدود ۵۵درصد از این تسهیلات به طرح‌هایی با تضمین شرکت ملی نفت ایران اختصاص یافته است.

معاون سرمایه‌گذاری صندوق توسعه ملی با اشاره به توزیع تسهیلات میان بخش‌های مختلف اقتصادی اظهار کرد: ۶۵ طرح در بخش نفت، گاز و پتروشیمی به ارزش حدود ۲۳میلیارد دلار، ۵۱ طرح در بخش نیروگاهی به ارزش حدود ۳۴میلیارد دلار و ۳۹ طرح در بخش آهن و فولاد به ارزش حدود ۲/۴میلیارد دلار از منابع صندوق توسعه ملی تأمین مالی شده‌اند. همچنین پنج طرح در بخش حمل‌ونقل به ارزش ۷/۲میلیارد دلار و هفت طرح در بخش آب و انتقال آب به ارزش ۶۱۷میلیون دلار از دیگر طرح‌های تأمین مالی شده توسط صندوق توسعه ملی بوده‌اند. او با اشاره به طرح‌های مهم تأمین مالی‌شده در استان هرمزگان و سایر مناطق کشور تصریح کرد: صرفا از محل منابع صندوق توسعه ملی و از طریق روش تسهیلاتی، بیش از ۸۰۰۰ مگاوات از ظرفیت تولید برق کشور تأمین مالی شده است. معاون سرمایه‌گذاری صندوق توسعه ملی همچنین درباره وصول مطالبات گفت: طی سال‌های فعالیت صندوق توسعه ملی، تاکنون حدود ۱۲/۸میلیارد دلار از منابع صندوق وصول شده است. میزان وصول منابع پیش از فعالیات هیات عامل فعلی حدود دو میلیارد دلار بوده، اما در سال‌های اخیر به‌طور میانگین سالانه بیش از دو میلیارد دلار وصول منابع داشته‌ایم. البته در سال ۱۴۰۴، به دلیل شرایط خاص کشور، میزان وصولی صندوق به حدود ۱/۶میلیارد دلار رسید.

محمدی درباره حساب‌های شرکت ملی نفت ایران گفت: از مجموع ۲۲/۳میلیارد دلار مطالبات سررسید گذشته صندوق توسعه ملی، ۷۷درصد مربوط به طرح‌هایی است که دارای تضمین شرکت ملی نفت ایران هستند.

سازمان جهانی خواروبار و کشاورزی ملل متحد (فائو) در جدیدترین گزارش خود از سلسله گزارش‌های موسوم به «دورنمای محصولات و وضعیت غذایی»، کل تولید غلات ایران در سال زراعی جاری را ۲۷/۶ میلیون تن اعلام کرده است. براساس پیش‌بینی فائو تولید غلات ایران در سال ۲۰۲۶ با افزایش ۱۱درصدی نسبت به سال قبل مواجه خواهد شد. ایران سال پیش ۱۹/۵ میلیون تن غله تولید

ایران امسال بیشتر از متوسط ۵ ساله غله تولید می‌کند

تابستان همواره فصل اوج برداشت محصولات باغی در ایران بوده؛ دوره‌ای که ورود گسترده انواع گیلاس، هلو، شلیل، انگور، زردآلو، خیار، هندوانه و دیگر محصولات، معمولاً بازار را با افزایش عرضه مواجه می‌کند و همین مسأله از شدت نوسانات قیمتی می‌کاهد اما بازار امسال، برخلاف الگوی همیشگی، رفتار متفاوتی از خود نشان داده است.

اگرچه میوه در بازار به وفور یافت می‌شود و نشانه‌ای از کمبود گسترده وجود ندارد اما قیمت‌ها همچنان برای بسیاری از خانواده‌ها سنگین است. این تناقض، پرسشی اساسی را پیش روی فعالان اقتصادی قرار داده؛ چرا در شرایطی که تولید ادامه دارد، مصرف‌کننده همچنان باید بهای بالایی برای خرید میوه بپردازد؟ فعالان بازار اعتقاد دارند پاسخ این پرسش را نباید صرفا در میزان برداشت محصولات جست‌وجو کرد. بازار میوه، برخلاف تصور عمومی، فقط تابع عرضه و تقاضا نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از هزینه‌های جانبی و ساختارهای توزیعی، قیمت نهایی را شکل می‌دهند. از لحظه‌ای که محصول از باغ برداشت می‌شود تا زمانی که به دست مصرف‌کننده می‌رسد، هزینه‌هایی مانند بسته‌بندی، حمل‌ونقل، نگهداری، افت کیفیت و همچنین سهم واسطه‌ها، بار مالی قابل توجهی را به قیمت نهایی اضافه می‌کنند.

از سوی دیگر، کاهش قدرت خرید خانوارها نیز سبب شده حساسیت مصرف‌کنندگان نسبت به قیمت میوه بیش از گذشته افزایش یابد. کالایی که تا چند سال پیش جزو اقلام ثابت سبد غذایی بسیاری از خانواده‌ها بود، اکنون در برخی موارد به خریدی محدود یا مناسبتی تبدیل شده است. به همین دلیل، گرانی میوه فقط یک مسأله اقتصادی نیست، بلکه نشانه‌ای از تغییر الگوی مصرف و کوچک‌تر شدن سبد غذایی خانوارها نیز به‌شمار می‌رود.

در چنین شرایطی، بررسی عوامل شکل‌دهنده قیمت، بیش از هر زمان دیگری اهمیت پیدا کرده است؛ زیرا به نظر می‌رسد مسأله اصلی بازار، نه کمبود تولید، بلکه نحوه انتقال محصول از باغ تا سفره مردم باشد.

هزینه‌هایی که از باغ آغاز نمی‌شود

اگرچه افزایش هزینه‌های تولید طی سال‌های اخیر واقعیتی انکارناپذیر است اما بررسی زنجیره عرضه نشان می‌دهد همه افزایش قیمتی که مصرف‌کننده در بازار تجربه می‌کند، محصول هزینه‌های باغداری نیست. باغداران نیز مانند سایر تولیدکنندگان بارشده قیمت‌کود، سم، تجهیزات آبیاری، دستمزد نیروی کار، سوخت و کرایه حمل روبه‌رو شده‌اند اما سهم آنها از قیمت نهایی میوه، فاصله قابل توجهی با واقعی دارد که مصرف‌کننده پرداخت می‌کند.

کارشناسان اقتصاد کشاورزی معتقدند بخش مهمی از اختلاف قیمت، در فاصله میان تولید تا مصرف شکل می‌گیرد. در بسیاری از موارد، محصول پس از برداشت، چندین بار میان واسطه‌ها، بارفروشان، عمده‌فروشان و خرده‌فروشان دست‌به‌دست می‌شود و هر حلقه، سهمی از قیمت نهایی را به خود اختصاص می‌دهد. نتیجه این فرآیند آن است که گاهی قیمت یک محصول

کرده بود. متوسط تولید غلات ایران در ۵ سال گذشته ۲۷/۴ میلیون تن بوده که انتظار می‌رود در سال جاری بیشتر از متوسط ۵ ساله غله تولید کند. براساس این گزارش، تولیدگندم ایران که در سال ۲۰۲۵ بالغ بر ۱۲ میلیون تن اعلام شده بود که در سال ۲۰۲۶ با افزایش ۱/۷ میلیون تنی به ۱۲/۷ میلیون تن خواهد رسید. تولید شلُتوک برنج در ایران نیز ۳/۹ میلیون تن پیش‌بینی شده که نسبت به

میوه تابستانه باقیمت نوبرانه بررسی‌ها نشان می‌دهد روند توزیع محصولات کشاورزی نیازمند بازنگری است تا کالاهای ارزان‌تر به دست مصرف‌کننده برسد



از زمان خروج از باغ تا رسیدن به ویتترین مغازه‌ها، چندین برابر افزایش پیدا می‌کند؛ در حالی که نه باغدار از این افزایش منتفع می‌شود و نه مصرف‌کننده از آن رضایت دارد.

در کنار این موضوع، رشد هزینه‌های لجستیک نیز بر بازار اثر گذاشته است. افزایش کرایه حمل، هزینه نگهداری محصولات در سردخانه، بسته‌بندی و افت محصول در مسیر انتقال، همگی به قیمت تمام‌شده اضافه می‌شوند. با این حال، بسیاری از فعالان بازار معتقدند این عوامل به تنهایی نمی‌توانند اختلاف قابل توجه قیمت میان میدان مرکزی و خرده‌فروشی‌ها را توضیح دهند و نبود شفافیت در زنجیره توزیع همچنان یکی از چالش‌های اصلی بازار به‌شمار می‌رود.

از سوی دیگر، بازار میوه با یک تناقض قدیمی روبه‌روست؛ باغدار از پایین‌بودن قیمت خرید محصول گلایه دارد و مصرف‌کننده از گرانی همان محصول. این شکاف نشان می‌دهد ساختار فعلی بازار نتوانسته منافع دو سوی زنجیره را همزمان تأمین کند. در چنین شرایطی، سود اصلی نه در مرحله تولید، بلکه در حلقه‌هایی شکل می‌گیرد که نظارت بر عملکرد آنها چندان موثر نیست. همزمان، افت قدرت خرید خانوارها نیز بر رفتار بازار سایه

مکت

تولیدات باغی کشور به ۲۶/۹ میلیون تن رسید

معاون امور باغبانی وزارت جهاد کشاورزی با اعلام رشد ۲/۲ میلیون تنی تولیدات باغی در دولت چهاردهم، از رسیدن حجم تولید به ۲۶/۹ میلیون تن خبر داد.

محمد مهدی برومندی گفت: تراز آری محصولات باغبانی و گلخانه‌ای با جهشی قابل توجه به ۴/۳ میلیارد دلار رسیده و تولید محصولات باغبانی کشور از ۲۴/۷ میلیون تن در ابتدای دولت به ۲۶/۹ میلیون تن افزایش یافته است.

وی با اشاره به وجود محدودیت‌های منابع آبی و انرژی، چشم‌انداز تولید در سال ۱۴۰۵ را ۲۷/۶ میلیون تن پیش‌بینی

سال قبل از آن تغییری نخواهد داشت. تولید سایر غلات ایران نیز در سال ۲۰۲۶ با افزایش ۴۰۰ هزار تنی از ۲/۶ میلیون تن در سال ۲۰۲۵ به ۴ میلیون تن در سال جاری می‌رسد. برآورد فائو نشان می‌دهد ذخایر غلات ایران در سال ۲۰۲۶ به ۱۳/۳ میلیون تن افزایش داشته است. ذخایر غلات ایران در سال قبل ۱۲/۴ میلیون تن اعلام شده بود. ایران با این حجم ذخایر غلات در رتبه سوم آسیا قرار گرفته است.

میوه تابستانه باقیمت نوبرانه



انداخته است. بسیاری از فروشنندگان می‌گویند حجم خرید مشتریان نسبت به سال‌های گذشته کاهش یافته و خانواده‌ها به جای خرید چند کیلوگرم از هر میوه، تنها نیاز روزانه خود را تهیه می‌کنند یا سراغ محصولات ارزان‌تر می‌روند. این تغییر رفتار، اگرچه از فشار هزینه‌های خانوار ناشی می‌شود اما در بلندمدت می‌تواند بازار را با کاهش تقاضا و تولیدکنندگان را با دشواری بیشتری در فروش محصولات روبه‌رو کند.

به این ترتیب، گرانی امروز میوه را نمی‌توان صرفا نتیجه افزایش هزینه‌های تولید دانست؛ بلکه مجموعه‌ای از نارسایی‌های ساختاری، ضعف در نظام توزیع و کاهش قدرت خرید، دست به دست هم داده‌اند تا حتی در فصل وفور محصول نیز بازار از تعادل فاصله بگیرد. این همان واقعیتی است که اصلاح آن، بیش از هر چیز، نیازمند بازنگری در سازوکار بازار و کوتاه‌تر شدن مسیر رسیدن محصول از باغ به سفره مردم است.

بازاری که بیش از تولید، به اصلاح ساختار نیاز دارد

در کنار هزینه‌های تولید و مشکلات شبکه توزیع، برخی فعالان بازار از تأثیر صادرات بر قیمت برخی محصولات نیز سخن

کرد و افزود: برآوردهای استانی نشان‌دهنده رشد حدود ۱۲درصدی تولید در بخش باغبانی است. معاون امور باغبانی وزارت جهاد کشاورزی در بخش دیگری از گزارش خود، بر موفقیت در توسعه کشت محصولات گرمسیری و گلخانه‌ای تمرکز کرد و گفت: سطح زیرکشت موز از ۱۲ هزار و ۴۰۰ هکتار به ۱۴ هزار و ۲۰۰ هکتار رسیده و تولید آن با رشدی چشمگیر از ۲۳ هزار تن به ۳۶ هزار و ۱۰۰تن افزایش یافته است. همچنین در بخش گلخانه‌ای، با افزایش ۶۰۰ هکتاری سطح زیرکشت، تولید محصولات از ۳/۲ به ۳/۹ میلیون تن رسیده است.

برومندی، بهبود تراز آری را یکی از دستاوردهای اصلی این دوره برشمرد و اعلام کرد: درآمدهای حاصل از صادرات محصولات باغبانی و گلخانه‌ای از ۲/۹ میلیارد دلار به ۴/۳ میلیارد دلار ارتقا یافته است.



می‌گویند. هرچند صادرات میوه برای حفظ بازارهای هدف و ارزآوری ضروری است اما کارشناسان تأکید دارند که التهاب کنونی بازار را نمی‌توان صرفا به این عامل نسبت داد. تجربه سال‌های گذشته نشان داده محدود کردن صادرات، بدون برنامه‌ریزی برای تنظیم بازار داخلی، نه فقط به کاهش پایدار قیمت‌ها منجر نمی‌شود، بلکه می‌تواند انگیزه تولید و سرمایه‌گذاری در بخش باغداری را نیز تضعیف کند.

آنچه بیش از هر عامل دیگری به چشم می‌آید، ضعف زیرساخت‌های بازاررسانی است. بخشی از محصولات باغی به دلیل فسادپذیری بالا باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن به دست مصرف‌کننده برسند اما کمبود سردخانه‌های استاندارد، محدودیت ناوگان حمل‌ونقل تخصصی و نبود شبکه توزیع یکپارچه، هزینه‌های اضافی را به زنجیره عرضه تحمیل می‌کند. درنهایت نیز این هزینه‌ها در قالب قیمت بالاتر از جیب مصرف‌کننده پرداخت می‌شود.

کارشناسان معتقدند اصلاح این وضعیت، بیش از آن‌که به سیاست‌های مقطعی با برخورد‌های تعزیراتی وابسته باشد، نیازمند شفاف‌سازی فرآیند قیمت‌گذاری و کوتاه‌شدن مسیر توزیع است. توسعه فروش مستقیم، تقویت تعاونی‌های تولیدکنندگان، گسترش میادین عرضه و بهره‌گیری از سامانه‌های هوشمند برای رصد قیمت از باغ تا بازار، ازجمله راهکارهایی است که می‌تواند فاصله قیمت تولید تا مصرف را کاهش دهد. در شرایط فعلی، تداوم گرانی میوه فقط به کاهش فروش محدود نمی‌شود. میوه و سبزیجات نخستین کالاهایی هستند که در دوره‌های تورمی از سبد مصرف خانوار حذف یا مصرف آنها کاهش پیدا می‌کند. این تغییر اگرچه در کوتاه‌مدت راهی برای مدیریت هزینه‌های خانواده‌هاست اما در بلندمدت می‌تواند پیامدهای نامطلوبی برای سلامت جامعه و الگوی تغذیه به همراه داشته باشد. بازار تابستان ۱۴۰۵ یک پیام روشن برای سیاست‌گذاران دارد؛ فراوانی محصول، به تنهایی تضمین‌کننده ارزانی نیست. زمانی که زنجیره توزیع کارآمد نباشد، نظارت بر فرآیند قیمت‌گذاری با ضعف مواجه شود و فاصله میان تولیدکننده و مصرف‌کننده روزبه‌روز افزایش یابد، حتی بربرارترین فصل برداشت نیز نمی‌تواند آرامش را به بازار بازگرداند.

درمجموع، بازگرداندن تعادل به بازار میوه، بیش از هر چیز به اصلاح ساختار نیاز دارد؛ ساختاری که در آن باغدار محصول خود را با قیمت منصفانه بفروشد، واسطه‌گری از چارچوب منطقی خارج نشود و مصرف‌کننده نیز بتواند بدون نگرانی از قیمت‌های فزاینده، یکی از اصلی‌ترین اقلام سبد غذایی خود را تهیه کند. اگر چنین اصلاحاتی در دست‌ورکار قرار نگیرد، احتمال آن‌که گرانی میوه از یک نوسان فصلی به یک ویژگی دائمی بازار تبدیل شود، دور از انتظار نخواهد بود.



وی با قدردانی از حمایت‌های وزیر جهاد کشاورزی برای رفع چالش انرژی تولیدکنندگان، تأکید کرد: تصمیم اخیر ستاد انرژی دولت برای تأمین گاز گلخانه‌ها، نگرانی‌های تولیدکنندگان برای فصل پاییز را مرتفع کرد و موجب پایداری روند تولید خواهد شد.

به شرکای راهبردی، موجب شده است که ساختار قدرت در خاورمیانه از الگوی تک‌قطبی فاصله بگیرد. در چنین شرایطی، حتی متحدان سنتی آمریکا نیز کم‌کم بیش از گذشته می‌کوشند روابط خود را میان چند قدرت بزرگ متوازن کنند.

مجموع این تحولات نشان می‌دهد که خاورمیانه به تدریج از نظم مبتنی بر برتری یک‌جانبه به سمت نظمی با بازدارندگی متقابل حرکت می‌کند. آمریکا به‌رغم قدرت نظامی و دراختیار داشتن شبکه گسترده‌ای از ائتلاف‌ها، پایگاه‌ها و ابزارهای مالی و فناوری با افزایش محدودیت‌های اعمال قدرت مواجه است. از این منظر، مهم‌ترین پیامد جنگ اخیر را باید در تغییر «هندسه قدرت» خاورمیانه جست‌وجو کرد. اگر در گذشته تصور می‌شد که برتری نظامی به تنهایی می‌تواند نظم منطقه را شکل دهد، اکنون روشن‌تر شده است که قدرت نظامی، بازدارندگی موشکی، امنیت انرژی، تاب‌آوری اقتصادی و مدیریت هزینه‌های جنگ، اجزای مکمل یک معادله واحد هستند.

جنگ اخیر را می‌توان یکی از مهم‌ترین نشانه‌های آغاز افول هژمونی امنیتی آمریکا در خاورمیانه و عدم امکان تداوم نظم امنیتی دهه‌های گذشته دانست. جنگ اخیر نشانه ورود منطقه به مرحله‌ای تازه از موازنه قدرت است؛ مرحله‌ای که در آن هیچ بازیگری نمی‌تواند بدون توجه به هزینه‌های نظامی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی، اراده خود را بر دیگران تحمیل کند. به همین دلیل، مهم‌ترین میراث این جنگ نه تغییر مرزها بلکه تغییر محاسبات راهبردی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خواهد بود.

عربی حوزه خلیج فارس، که در سال‌های گذشته امنیت خود را عمدتا در چارچوب پتر امنیتی آمریکا تعریف می‌کردند، اکنون بیش از گذشته به کاهش تنش و جلوگیری از گسترش جنگ علاقه‌مند شده‌اند. دلیل این تغییر صرفا ملاحظات سیاسی نیست بلکه آسیب‌پذیری زیرساخت‌های انرژی، بنادر، خطوط انتقال نفت و گاز و پیامدهای اقتصادی یک جنگ فراگیر است.

امنیت انرژی به متغیری تعیین‌کننده در سیاست منطقه‌ای تبدیل شده و همین امر، رفتار بسیاری از دولت‌ها را محتاط‌تر کرده است.

چهارمین تحول، افزایش وزن اقتصاد در معادلات قدرت است. تجربه این جنگ نشان داد که رقابت‌های ژئوپلیتیکی دیگر صرفا در میدان نبرد تعیین نمی‌شوند. بازارهای انرژی، حمل‌ونقل دریایی، زنجیره‌های تأمین، تورم و انتظارات بازارهای مالی، همگی بخشی از ابزارهای قدرت و بازدارندگی هستند. برای ایالات متحده نیز مدیریت بحران خاورمیانه صرفا یک مسأله امنیتی نیست؛ زیرا هرگونه اختلال در بازار انرژی با افزایش نااطمینانی جهانی می‌تواند بر رشد اقتصادی، تورم و حتی فضای سیاسی داخلی اثر بگذارد. به همین ترتیب، ایران نیز ناگزیر است هزینه‌های اقتصادی هرگونه تشدید درگیری را در محاسبات خود لحاظ کند. از این رو، اقتصاد به یکی از مهم‌ترین میدان‌های رقابت راهبردی تبدیل شده است.

پنجمین تحول، افزایش نقش قدرت‌های غیرغربی در معادلات منطقه است. گسترش حضور اقتصادی چین، تداوم نقش امنیتی روسیه و تلاش کشورهای منطقه برای تنوع‌بخشی